

خبرها

انتقاد فرزند شهلا ریاحی از یک بی‌اخلاقی



بخش فرهنگی– فرزند شهلا ریاحی با انتقاد از برخی بی‌اخلاقی‌ها در انتشار اخبار از احوال این هنرمند گفت: مادرم با توجه به شرایط جسمی فعلا اوضاع خوبی ندارد و تحت درمان است تا به زودی به منزل خود بازگردد.

از صبح سه‌شنبه ۲۲ اسفندماه عکسی از شهلا ریاحی در شبکه‌های مجازی منتشر شده با این عنوان که وی در خانه سالمندان روزگار را سپری می‌کند. منوچهر ریاحی فرزند این بازیگر در این‌باره گفت: نمی‌دانم چرا فردی که خودش هم در این عکس حضور دارد چنین کاری را با ما کرده و تصویر مادر من را که شرایط ناخوشی دارد، پخش کرده است. در حالی که پزشک معالج مادرم می‌گوید این عکس فتوشاپ است و پیگیری برای پیدا کردن این خانم انجام می‌شود.

او که با ایسنا گفت‌وگو می‌کرد، ادامه داد: شهلا ریاحی ۱۵ سال است که «دیمنشیا» و «آلزایمر» دارد و مدتی است با کاهش وزن شدید یعنی حدود ۲۰ کیلوگرم روبه‌رو شده و حال چندان مساعدی ندارد، به همین دلیل مدتی است برای آنکه تحت نظر پزشکان قرار بگیرد، در مرکزی است که رسیدگی‌های ویژه به او شود تا پس از بهبودی سر خانه و زندگی‌اش برگردد.

این استاد دانشگاه درباره هزینه‌های درمان این بازیگر و کارگردان سینما نیز گفت: هیچ‌کس یک ریال هم به هنرمندی که ۶۴ سال در این مملکت کار کرده، کمک نکرده و فقط وزارت ارشاد ماهی ۲۰۰ هزار تومان به او می‌دهد، آن هم در شرایطی که فقط هزینه پرستار او ماهی ۳ میلیون تومان است، البته از طریق پدرم (اسماعیل ریاحی) بیمه خدمات درمانی دارد اما بیمه‌هایی هم که از طریق صنف ارائه می‌شود بیشتر برای زمانی است که عمل جراحی انجام شود، در صورتی که مادر من مشکل آلزایمر دارد و تاکنون احتیاجی به جراحی نداشته است.

ریاحی در پایان از بی‌اخلاقی پیش آمده نسبت به انتشار عکس و خبر از وضعیت مادرش انتقاد کرد و افزود: امیدوارم رسانه‌ها در پوشش این مسائل دقت کنند و شرایط جسمانی خانم ریاحی هم به زودی بهبود یابد و بتوانند به خانه خود برگردند. شهلا ریاحی متولد ۱۳۰۵ است که با ساخت فیلم «مراجن» به عنوان اولین کارگردان زن سینمای ایران شناخته می‌شود. او علاوه بر حضور پررنگ در تئاتر و تلویزیون، در فیلم‌های سینمای مختلفی همچون «دو فیلم با یک بلیت»،«دلشدگان»،«می‌خواهم زنده بمانم»،«عروسی خون» و … بازی کرده است و آخرین حضورش در سینما به فیلم «نهنگ عنبر ۲» در سال ۹۵ برمی‌گردد.

.....●●●●●

همکاری مجدد نیکول کیدمن با تلویزیون

بخش فرهنگی– نیکول کیدمن بار دیگر با همکاری دیدیو ای کلی در سریالی برای شبکه اچ‌بی‌او جلوی دوربین می‌رود.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از ورایتی، اچ‌بی‌او بار دیگر سه چهره‌ای را که برای ساخته شدن سریال کوتاه و موفق «دروغ‌های کوچک بزرگ» گرد آمده بودند، جمع کرده تا یک مینی سریال بزرگ بسازد.

گفته شده این مینی سریال با عنوان «برگرداندن» با بازی نیکول کیدمن و با حضور دیوید ای کلی و برونا پاپاندرا ساخته می‌شود. کیدمن قرار است نقش تهیه کننده هم حضور داشته باشد و در این سریال که با اقتباس از رمان هانف کورلیتس با عنوان «نباید هرگز می‌دانست» نوشته شده، بازی نیز بکند. کلی به عنوان تهیه کننده اجرایی، نویسنده و مجری در این مجموعه حضور خواهد داشت. پاپاندرا نیز از تهیه کنندگان است.

اچ‌بی‌او از گرد آوردن دوباره این تیم ابراز خوشحالی کرده است. این سه نفر با هم در شکل دادن مینی سریال موفق «دروغ‌های کوچک بزرگ» نقش اساسی داشتند و این سریال موفق به کسب جایزه امی شد.

در مینی سریال جدید، کیدمن در نقش گریس ساکس بازی می‌کند. او یک درمانگر موفق است که قصد دارد تا نخستین کتابش را نیز منتشر کند. وی همسر و فرزند پسری دارد که به زودی در نیویورک به مدرسه نخبه‌ها می‌رود اما چند هفته پیش از انتشار کتابش با رویدادهای جدید در زندگی‌اش روبه رو می‌شود و شاهد مرگی خشونت‌بار و همسری است که ناپدید شده است.

هنوز کارگردانی برای این مینی سریال انتخاب نشده است.

کیدمن با ابراز خوشحالی از حضور در این مینی سریال از ادامه همکاری با اچ‌بی‌او و دیوید ای کلی ابراز خوشحالی کرد و این امر را مایه افتخار خود خواند.

کلی نیز گفت از این کتاب لذت برده و شخصیت روانشناسانه این تریلر را خیلی دوست دارد. وی گفت از اقتباس از این رمان لذت برده است.

کیدمن که برای کار در «دروغ‌های کوچک بزرگ» هم جایزه امی و هم گلدن گلوب را کسب کرده در سال ۲۰۱۸ برنامه شلوغی دارد و به عنوان تهیه کننده و بازیگر برای قسمت دوم این سریال برمی‌گردد. او بازیگر فیلم‌های سینمایی «ویرانگر»، «پسر حذف شده» و نیز «آکوامن» خواهد بود.

هوشیار مجتوبی

اگر خیابان‌های شهر جای امنی نباشد، لابد به فکر خانه‌ی دوست یا آشنای مطمئنی در حوالی «نامنی» یا نقطه‌ی نامن می‌افتیم، و اگر هیچ کجای امنی در ذهن نداشته باشیم باید تمام مسیر را گز کنیم تا به خانه‌ی خودمان برسیم. اما اکنون دو پرسش دیگر سد راه ماست: یک) اگر خانه‌ای نداشته باشیم، چه؟ دو) اگر خانه‌ای داشته باشیم اما آنجا هم نقطه‌ی امنی نباشد، چه؟ بیابید مسئله را به سیاق متفکران قدیم در ساحت گزاره‌ای استعاره‌ای دربیاوریم؛ استعاره‌ای که البته چندان هم به وجوه مجازی تن نمی‌دهد. «خانه» تن آدمی است، دست کم در سده‌ی اخیر یکی از مهم‌ترین نقاطی که باید امن باشد روان و ذهن انسان است. اگر تن و روان آدم، خانه‌ی دائم اضطراب باشد باید به کجا فرار کرد. این مقدمه بالضروره شاید کمی طولانی شده باشد اما احتمالاً ورودی مناسبی است برای معرفی مجموعه داستان «ایستگاه بعدی» اثر نیما قهرمانی.

«ایستگاه بعدی» عنوان مجموعه داستانی است موجز که شامل ۱۰ داستان کوتاه با عناوین «حافظه‌ی بلند مدت»، «آب»، «کوچه‌ی باریک رو به پنجره»، «در باز است»، «آقای سین»، «هزارتویی به وسعت یک شهر»، «تری-جی-بی»، «داستان مرد قصه‌های فراموش شده»، «… تلفن؟!» و «نقطه‌ی کور» می‌شود. داستان‌ها همگی در دو ویژگی متفقند: اول آنکه جهانی مستقل دارند، و برای همین می‌توانند به صورت مستقل قرائت شوند، و دوم اینکه خیلی روی جهان مستقل‌شان تاکید ندارند، و برای همین توامان می‌توانند در در قالب روایتی بلند تاول شوند. نام‌ها هم به طریقی دیگر ما را با پارادوکس مواجه می‌کنند. عنوان کتاب یعنی «ایستگاه بعدی» نام هیچ کدام از داستان‌های مجموعه نیست، گویی نامی است در ادامه‌ی همان روایت بلندی که پیش از این از آن گفتیم. البته قرار نیست تمام مجموعه داستان‌ها نام‌شان را از یکی از آثار کوتاه کتاب وام بگیرند، اما از آن‌جایی که معمولاً مولفان چنین م‌کنند، مخاطبان هم پنین انتظاری دارند. نکته‌ی دیگر اما آنکه ویراستار کتاب در پشت جلد نوشته است: «داستان نویس جوان این کتاب برای هیچ کدام از داستان‌های خود نام انتخاب نکرده و فقط با شماره مشخص‌شان کرده است.» در صورتی که همچنان که پیشتر گفته آمد همه‌ی ده داستان با نام‌های مزبور آغاز می‌شوند. این نام‌ها، نام‌های ملحق شده هستند؟ آیا این نام‌ها، همچنان که عنوان کلی کتاب، بعد از نقطه‌ی پایان داستان‌ها، به متن آثار پیوستند؟

داستان نخست این مجموعه یعنی «حافظه‌ی بلند مدت» انتخاب فوق‌العاده‌ای است برای آغاز این مجموعه. اول آنکه قابل توجه است، شاید قابل توجه‌ترین داستانِ این کتاب،

{فر هنگ و هنر }

نگاهی به کتاب «ایستگاه بعدی» اثر نیما قهرمانی

حوالی نامنی

و با این توضیح باید گفت مخاطب را برای خواندن داستان‌های بیشتر ترغیب می‌کند. دوم آنکه جزء مهمی از مجموعه داستان «ایستگاه بعدی» است، به طوری که می‌توان رد پای مهم‌ترین مضامین کتاب را در آن یافت. اگر بخواهیم برای ۱۰ داستان این کتاب نماینده‌ای انتخاب کنیم، بی شک همین داستان می‌تواند انتخاب شایسته‌ای باشد.

«حافظه‌ی بلند مدت» یادآور «داستان کوتاه» در کلاسیک‌ترین شکل ممکنش است. روایتی موجز و هول آور از رویدادی نامنتظر، شگفت و بدیع. «حافظه‌ی بلند مدت» روایتی است از ترس، نامنی و اضطراب که بی شک مهم‌ترین مضامین کتاب «ایستگاه بعدی» است. داستان با روایتی از دوستی ساده و معمولی راوی با یکی از هم محله‌ای‌ها آغاز می‌شود. آدم عجیبی که دوستی عمیقی با راوی ندارد اما با او مراوده دارد. بعد از چند وقت، دیگر خبری از اونمی‌شود تا اینکه یک روز دوباره سرزده پیدایش می‌شود و به راوی می‌گوید که تمام زندگی‌اش نابود شده. ما تشنه‌ی روایت او هستیم؛ و آن اتفاق عجیبی که در مدت کوتاهی او را از زندگی و خانواده‌اش جدا کرده. آن مرد دست راوی را می‌گیرد و مرد دیگری را در خیابان به او نشان می‌دهد و به راوی می‌گوید این آدم تمام زندگی‌ام را تسخیر کرده است… البته که قصه‌ی فوق‌العاده جذاب نیما قهرمانی را نباید به همین سادگی لو داد. به خاطر یک معرفی ساده نمی‌شود پته‌ی یکی از مهم‌ترین داستان‌های این مجموعه را ریخت روی آب، اما از طرفی نمی‌شود از کنارش به سادگی گذشت. نیما قهرمانی توانسته در داستانی کوتاه شکل مهمی از «اضطراب» و «نامنی» را به صورت عینی در برابر چشمان ما نمایش دهد. با این که او به طرز نویسندگان کلاسیک چنین کرده است اما روایتی نو از این درون‌مایه‌ی تامل برانگیز به دست داده است. هر صفحه از این داستان لحظه‌ای بدیع است با احساسات تکان دهنده و هیجان انگیز. هر سطر بندی است که سطر دیگر را به سطری دیگر متصل کرده است و هر اتفاق گویی اتفاق طرفه‌ی دیگری به همراه می‌آورد. نیما قهرمانی در همان نخستین کتاب به ما می‌گوید قصه‌گو است، روایتی نو در چنته دارد، و می‌تواند شکل مهمی از مفهوم «اضطراب» و «نامنی» را به ما نشان دهد.

«ایستگاه بعدی» به واسطه عنصر طنز، زبان کنایی و آیرونیک داستان‌ها، شخصیت‌های درون‌گرا و عجیب، و همین‌طور رویدادهای نامنتظره به کتابی تبدیل شده است مملو از انات و لحظاتی که در ذهن‌مان ثبت و ضبط خواهد شد. مشخصه‌های مذکور و طرز نگاه مولف به محیط دور و برش، داستان‌هایی با جهانی مستقل آفریده است که احتمالاً خوشایند بسیاری از مخاطبان می‌افتد.

پیشگامان هنر در عرصه تاریخ

خود تصور می‌کرد به روی بوم می‌آورد. بیان عاطفی قوی (اکسپرسیونیستی) که یکی از شیوه‌های هنری قرن بیستم را تشکیل می‌داد آن چنان گیرا و چشمگیر و تاثیرگذار بود که نه فقط دیگران را تحت تاثیر قرار می‌داد که خود او را به وادی شیدایی کشانید تا در یک اقدام ناپهنگام و در شرایط غیرعادی با بریدن گوش خود و تقدیم آن به دوست قدیمی‌اش این پیام نمادین را هم به دیگران برساند که در راه هنر می‌توان از همه چیز گذشت، حتی اگر تکهای از گوش آدمی بوده باشد.

گوگن دلال بورس بود که در سن بالا شروع به نقاشی کرد. او هم برای ادامه کارش قید زن و فرزند و خانواده را زد و از کار و شغل خود دست کشید و به جنوب فرانسه و به جزایر تاهیتی اقیانوس آرام رفت. نگاه سمبلیک گوگن به انسان و طبیعت سبب گردید تا آثاری خلق کند که فقط از او برمی‌آمد. اما پل سزان سومین هنرمندی که به دور از های و هوی فضاهای هنری فرانسه در گوشه‌ای از املاک خانواده پدری سرگرم نقاشی بود. تلاش و



جستجوی‌اش در همه سال‌ها بر این مبنا بود که بتواند شیوه‌ای از نظر ترکیب‌بندی و ساختار که از قدرت و استواری لازم برخوردار باشد فراهم کند. ولی ناخواسته به کوبیسم دست پیدا کرد و بنیانگذار مکتبی گردید که بعدها پیکاسو را به نام و شهرت رسانید تا کوبیسم را از آن خود بداند و سهم ژرژ براک همکار هنری‌اش را که در کار کوبیسم بود نادیده بگیرد.

وان گوگ، پل گوگن و سزان سه هنرمند مطرح زمان خود بودند. تاریخ را با چگونگی تغییر یافتن خطوط کلی آن تعریف کردند آن‌طور که خود می‌اندیشیدند. گرچه این هنرمندان نوگرا و پیشگام چندان بهره‌ای از دستاوردهای خود نبردند و سهمی هم از آثاری که خلق کردند به دست نیابورند، اما نشان دادند که می‌توان با نگاه دگرگونه دست به‌کاری زد و مبدع کاری شد که برای انسان ها زندگی‌ساز باشد.

شکی نیست که هنرمند در دنیای خود زندگی می‌کند. همانند طفلی سوار بر اسب چوبی دوران کودکی که به سوی هدفی نامعلوم چهارنعل می‌تازد. بدون اینکه به نگاه هشدارگونه اطرافیان توجهی داشته باشد. اگر نبود ذهنیت کودکانه دوران ساز و درک احساسات پرشور خلق کردن و آفریدن، بالطبع تفاوتی میان شخصیت‌های هنری و دیگر افراد چندان مشخص و قابل اعتنا نبود. اینکه هنرمند احساس می‌کند که باید چیزی خلق کند و آرایه دهد این خود فرصتی است برای اندیشیدن و پیدا کردن راهایی برای ادامه زندگی بهتر تا واقعیت‌های جهان هستی را در چشم‌اندازی مطلوب به نمایش بگذارد.

اینکه هنرمند به دنیای کودکی و به دوران آن‌چنانی می‌اندیشد بدان خاطر است که همه چیز را در فضایی از ارزش‌های احساسی و عاطفی درک می‌کند. اگر شخصیت‌های اقتدارگرای تاریخی با نگاه خود بزرگ‌بینی دنیا را با جنگ به پرتگاه نیستی کشاندد. در عوض این هنرمندان بودند که با شخصیت هنری خود و با ارزش‌های انسان دوستی، مردم را با زندگی آشتی دادند و با آرایه آثار هنری و درخور تامل و با نگاه زیباشناختی خلاقانه، از سنگینی این جهان کاستند و زندگی را برای همگان تحمل‌پذیر کردند.

چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۶

خبرها

با معرفی ۱۳ رمان

بوکر ۲۰۱۸ نامزدهای اولیه‌اش را شناخت



بخش فرهنگی– جایزه من بوکر بین‌المللی با انتشار فهرست اولیه نامزدهایش، دور نخست این رقابت را در سال ۲۰۱۸ رقم زد.

به گزارش مهر به نقل از سایت این جایزه، ۱۳ رمان در فهرست اولیه جایزه من بوکر بین‌المللی که برای حمایت از آثار ترجمه شده از گوشه و کنار جهان اهدا می‌شود، جای گرفته‌اند.

این جایزه هر سال به یک کتاب که از زبان‌های دیگر به انگلیسی ترجمه و در بریتانیا منتشر شده باشد، تعلق می‌گیرد.

این اثر می‌تواند شامل رمان یا مجموعه داستان کوتاه باشد.

جایزه ۵۰ هزار پوندی این رقابت به صورت مساوی بین نویسنده اصلی کتاب و مترجم آن تقسیم می‌شود. در عین حال هر اثری که به فهرست نهایی راه یابد و مترجم آن اثر نیز هر یک هزار پوند دریافت می‌کنند.

برای معرفی نامزدهای اولیه، امسال داوران از میان ۱۰۸ کتاب دست به انتخاب زدند.

فهرست نامزدهای اولیه سال ۲۰۱۸ عبارت است از: «هفت کاربرد زبان» نوشته لورن بینه از فرانسه.

مترجم سم تیلور

«مکار» نوشته خاویر سرکاس از اسپانیا. مترجم فرانک وین

«زرونو سابوتکس ۱» نوشته ویرجین دسپنتس از فرانسه. مترجم فرانک وین

«می‌رود، رفت، رفته» نوشته جتی ارینبک از آلمان. ترجمه سوزان برنوفسکی

«کتاب سفید» نوشته هان کانگ از کره جنوبی ترجمه دوبرا اسمیت

«بمیر عشق من» نوشته آریانا هارویکس از آرژانتین.

ترجمه سارا موسس و کارولینا اورلوف

«دنیا ادامه دارد» نوشته لاسلو کراسناهورکای از مجارستان . ترجمه جان باتکی، اوتیلی مولست و

جورج سیرتس

«همچون سایه‌ای در حال محو شدن» نوشته آنتونیو مونوس مولینا از اسپانیا. ترجمه کامیلو رامیرس «کوه پرنده» نوشته کریستوفر رنسمایر از اتریش.

ترجمه سیمون پار

«فرانکنشتاین در بغداد» نوشته احمد سعداوی از عراق. ترجمه جاناتان رایت

«پروازها» نوشته اولگا توکارکزوک از لهستان. ترجمه جنیفر کرافت

«دوچرخه دزدیده شده» نوشته وو مینگ – بی از تایوان. ترجمه داریل استرک

« بخش فرهنگی– مهمان شام» نوشته گابریلا بیارا از اسپانیا. ترجمه ناتاشا وایمر

یک گروه پنج نفره از داوران کار انتخاب این فهرست را انجام دادند و لیسا اپینانسی نویسنده و مفسر فرهنگی ریاست این گروه را برعهده داشت. مایکل هوفمن شاعر، هاری کونسرو نویسنده پنج رمان، تیم مارتین روزنامه‌نگار و منتقد ادبی و هلن اوییمی نویسنده رمان و نمایشنامه دیگر اعضای گروه داوری را تشکیل دادند.

فهرست نهایی متشکل از نام ۶ کتاب ۱۲ آوریل

در سامرست هاوس لندن معرفی می‌شود و برنده این جایزه ۲۲ ماه مه در مهمانی شامی که در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن برگزار می‌شود، معرفی خواهد شد.

.....●●●●●

راه‌اندازی «آی‌فیلم ۲»

در آستانه نوروز

بخش فرهنگی– کانال فارسی‌زبان «آی فیلم ۲» در آستانه فرا رسیدن نوروز به عنوان نماد اشتراک فرهنگی و آیینی ملت‌های ایران، افغانستان و تاجیکستان، به زودی افتتاح می‌شود.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی شبکه آی‌فیلم، در این راستا مدیر شبکه آی‌فیلم در حکمی ناصر حجازی‌فر را به عنوان مدیر شبکه فارسی‌زبان «آی‌فیلم ۲» منصوب کرد. مهدی مجتهد مدیر شبکه آی‌فیلم) ناصر حجازی‌فر را به مدیریت شبکه «آی فیلم ۲» که پخش آزمایشی آن از چندنی پیش شروع شده بود، منصوب کرد.

«آی‌فیلم ۲» کانال چهارم این شبکه و آی‌فیلم فارسی برای کشورهای افغانستان، تاجیکستان و فارسی زبانان منطقه آسیای مرکزی است. این شبکه برون‌مرزی قرار است در کنار کانال‌های عربی و انگلیسی آی فیلم، منظومه این شبکه تخصصی در حوزه فیلم و سریال را وسعت بخشیده و با بهره گیری از فیلم و سریال‌های ایرانی، موسیقی و برنامه ایران‌شناسی در راستای تقویت و ترویج اشتراکات فرهنگی در کشورهای هم‌زبان همسایه گام بردارد.